

گروه طالبان؛ احساس انزوا و تثبیت جایگاه نظامی و سیاسی

سرمقاله

زیرکی در استفاده از شرایط جهانی برای افغانستان

محمد رضا هویدا

شکی در این نیست که ادامه بحران افغانستان تاثیرات منفی زیادی بر امنیت منطقه و جهان می گذارد. افغانستان در منطقه ای قرار گرفته است که بحران موجود از طریق آن به سوی کشورهای دیگری سرایت کند.

گسترش جنگ از جنوب به سوی شمال برای کشورهای منطقه و جهان، معنای خاصی خود را دارد.

گسترش بحران از جنوب به سوی مرکز نیز همین معنا را دارد که افغانستان غرق در ناامنی و خشونت شود و گروه های افراط گرا بتوانند به اهداف خود برسند.

هسان گونه که ناامنی در کشور برای منطقه و جهان خطرناک خواهد بود، در مقابل، امنیت و ثبات در افغانستان، نیز منطقه را به سوی رفاه و آسایش و پیشرفت سوق خواهد داد. به عنوان اگر افغانستان دارای ثبات و امنیت شود، انتقال انرژی از سوی شمال به سوی جنوب زمینه پیشرفت های اقتصادی را برای کشوری چون پاکستان را فراهم خواهد کرد و با توجه به وضعیت استراتژیک بنادر پاکستان، این کشور می تواند تبدیل به یکی از قطب های اقتصادی منطقه شود.

همین گونه انتقال کالاهای مورد نیاز کشورهایی که در شمال افغانستان واقع شده اند، نیز باعث رونق یافتن اقتصاد دو طرف خواهد شد. در این میان افغانستان خود نیز منافع کلانی حد اقل از بابت انتقال کالاهای مورد نیاز کشورهای اطراف خود به دست خواهد آورد.

حضور القاعده، طالبان، شبکه حقانی و گروه داعش به تنهایی کافی است تا نشان دهد که افغانستان مورد توجه و هجوم سازمان های استخباراتی و تروریستی در مقیاس منطقه ای و جهانی است تا نامن شود، و سازمان دهندگان این ناامنی ها به اهداف خود دست یابند. ضعف حکومت مرکزی سبب شده تا افغانستان نتواند به طوری که لازم است با شبکه های استخباراتی بیگانه و عوامل آنها بجنگد و آنها را از بین ببرد.

در پشت سر همه فعالیت های هراس افکنی در افغانستان به وضوح می تواند دست های پنهانی را دید که تلاش دارد افغانستان را به سوی جنگ و خونریزی بکشاند.

بدین جهت مشکل افغانستان بدون حضور کشورهای منطقه و جهان حل نخواهد شد. بعید است که آگاه سیاسی معتقد باشد که جهان افغانستان می تواند تنها به حضور نیروهای سیاسی در افغانستان حل شود. به همین جهت نیز سفرهای پی در پی دولتمردان در ابتدای حکومت به کشورهای مختلف می تواند توجیه شود.

کشورهای مختلفی هستند که در افغانستان نقش دارند. این نقش تنها سازنده نیست. همین کشورها در خلق بحران افغانستان نقش داشته اند. حد اقل کاری که این کشورها در این مدت انجام داده اند، سکوت در مقابل بحران افغانستان بوده است. همان گونه که کشورهای دور و نزدیک در افغانستان برای مهار بحران افغانستان می توانند کار کنند در گذشته همین کشورها برای ایجاد بحران در افغانستان کار کرده اند. به همین جهت نیز همه کشورهایی که در منطقه می توانند برای مهار بحران در افغانستان نقش می توانند داشته باشند، زمانی جزئی از بحران افغانستان بوده اند و یا هنوز هم هستند.

عزم جهانی و منطقه برای اینکه افغانستان نباید به سوی گسترش بحران برود، برای حل بحران افغانستان کاملا لازم است. افغانستان می تواند این حمایت را جلب کند و از آن استفاده کند. در صورتی که برنامه ریزان و مجریان سیاست خارجی افغانستان بتوانند این وضعیت به سود افغانستان استفاده کنند، این وضعیت افغانستان را کمک خواهد کرد تا به سوی موفقیت پیش برود.

اما افغانستان باید توجه داشته باشد که استفاده از شرایط جهانی و منطقه ای برای حل بحران افغانستان نیاز به زیرکی و قند و شجاعت خاصی دارد و نمی توان به راحتی بین نیروهای متخاصمی که در منطقه وجود دارند و هر کدام به دلایلی با دیگری درگیر است، تعادل ایجاد کرد.

در صورتی که افغانستان نتواند از این امکانات به سود خود استفاده کند، نه تنها بر حل بحران افغانستان کمکی نخواهد شد، بلکه بر حجم و وسعت بحران افزوده خواهد شد.

بهار امسال متفاوت تر از همه بهارهای ست که در گذر چهارده سال تجربه کردیم. به لحاظ ویژگی های طبیعی کشور، معمولا حملات گروه طالبان در فصل زمستان کاهش می یابد و در فصل بهار که هوا و طبیعت گرم شده و انسان می تواند بدون وسایل گرم کننده روزگار بگذراند، حملات آن گروه افزایش می یابد. سال ها شاهد شدت حملات بهاری گروه طالبان بوده ایم که در مناطق مختلف کشور بسر نیروهای نظامی خارجی و ملی تاخته اند. اما حملات بهاری راه نظامیان و یا حمله بر یکی شدیدتر و حادثه تر از سال های پار است. امسال اکثریت قریب به اتفاق ولسوالی ها و ولایت های کشور - سمت جنوب و شمال - مورد حملات شدید نظامی قرار گرفته اند. تفاوت برجسته در این است که از این قبل، طالبان بیشتر از روش جنگی «پارتیزانی» یا چریکی استفاده می کردند.

با کمین کردن راه نظامیان و یا حمله بر یکی از تأسیسات نظامی و غیر نظامی دولتی پس از حدود یک یا دو ساعت جنگ، ساحه را ترک کرده و به کوه های صعب العبور و غارهای دشوار یاب پناه می گرفتند. ولی امسال رسعا به صورت جدی جبهه می گیرند و عزم تصرف ولسوالی و ولایت را می نمایند.

در سمت شمال و در ولایت های مختلف حملات شدید را سازماندهی کرده اند که هدف عمده تصرف ولسوالی ها و در دست گرفتن اداره آن ها از دستان حکومت بوده است.

در این روزها حملات شدید را متوجه ولایت ارزگان به ویژه ولسوالی ارزگان خاص کرده اند. گفته می شود که جنگ جویان طالبان، ولسوالی را محاصره کرده و اگر کمک های نظامی نرسد، امکان دارد به زودترین فرصت از اداره حکومت خارج شده و به جنگ طالبان بیافسد. البته تا زمان نگارش این نوشتار موجز، سخن از کمک نظامی مرکز نبوده و نگرانی همچنان محفوظ.

پرسش را که این نوشتار مطرح می کند این خواهد بود که: چه علل و عوامل باعث افزایش حملات و تهاجمات گروه طالبان در سال جاری شده است؟

چه عوامل و دلایل باعث شده که امسال گروه طالبان به گونه بی سابقه ای عزم حمله، تهاجم، نبردهای دشوار و طاقت فرسا و تصرف بخش های از کشور را کرده اند؟

شاید علل و عوامل متفاوت و متعدد در این زمینه مطرح باشند، اما به نظر می رسد که مهمترین علت و عامل، تثبیت جایگاه است. گروه نوظهور اما به مراتب تندتر، مخوف تر و افراطی تر از طالبان، به نام داعش سر برآورده و حضور القاعده و دیگر گروه های تروریستی را در منطقه و حضور و نقش گروه طالبان را در افغانستان کمزنگ نموده و تحت الشعاع قرار داده است. از این روی، طالبان به دنبال تثبیت جایگاه نظامی و سیاسی خود اند.

با آغاز یسکار حکومت جدید وحدت ملی در افغانستان و روی دست گرفتن برنامه مصالحه به عنوان موضوع دارای اولویت مهم، خوش بینی های جدی در راستای فرایند مصالحه و گفت و گوهای سیاسی دولت با طالبان مطرح شد. سران نظامی و اطلاعاتی پاکستان از آمادگی گروه طالبان جهت گفت و گوی سیاسی سخن زدند و حمله های مسلحانه و انتحاری در کابل و دیگر ولایت های کشور کمتر شد.

این بحث با زمزمه های نفوذ گروه نوظهور داعش در منطقه و افغانستان همراه و هم زمان گردید.

زمزمه ها این بود که داعش در پاکستان و افغانستان نفوذ قابل ملاحظه کسب کرده و زمین پس نیروی جنگی که تهدیدات کلان را در برابر امنیت دولت و مردم خلق خواهد کرد، داعش است.

ویدیوهای ترسناک و وحشت انگیز که از سوی این گروه در شبکه های مجازی نشر و پخش شده، بر خوف مردم و دولت افزوده است. در دست در همین روزها و شب ها خبرهای پیوستن حلقه ها و گروه های نظامی طالبان به داعش دست به دست می گردید. مرتب خبرهای در حال نشر بود که فلان فرمانده طالبان در غزنی یا ولایت های دیگر به داعش پیوسته است.

بنابراین، تحلیل های سیاسی این گونه چرخید که طالبان به ماشین جنگی کهنه

و فرسوده تبدیل شده اند. از یک سو دستگاه های اطلاعاتی منطقه اهداف کلان

مشان را در همکاری با طالبان ندانسته و از تقویت این گروه خسته شده اند و از سوی دیگر، رهبران طالبان به لحاظ ایدئولوژیک نمی توانستند جنگ جویان مشان را اشباع کرده و در جبهه های نبرد نگهدارند. به عبارت دیگر احساسات دینی و ایدئولوژیک اشباع نشده جوانان رزمند، دیگر در قالب طالبانیزم نمی گنجد و باید به گروه دیگری پیوست.

از این رهگتر، نباید به گروه طالبان به عنوان نیروی قدرتمند امتیاز داد و برای ختم جنگ و تعیین ثبات سیاسی وارد تعامل گردید، بلکه پس از گذر زمان نه چندان دور، آن گروه خود متحل شده و از صحنه روزگار حذف خواهد شد. در مقابل باید داعش را جدی تلقی کرد.

پس توجه به این بحث به نظر می رسد که گروه طالبان احساس باقرت سیاسی از این روی، در پی نبردهای کلان و خیرساز بدر شدند، تا بتوانند جایگاه قانع

کننده سیاسی شان را کسب کرده و این فرضیه سیاسی را - که گروه طالبان به



ماشین جنگی کهنه و فرسوده تبدیل شده و سعی خواهد کرد روی آن حساب کرد - ابطال نمایند.

برهمینای گزارش های نشر شده، از آغاز زمزمه های نفوذ داعش در کشور تا حالا، نبردهای خونین میان داعش و گروه طالبان در برخی از مناطق کشور صورت گرفته است. این به این معناست که طالبان با داعش سری سازگاری نداشته و رشد و قدرتمند شدن آن گروه را به معنای نزول و افول خود تلقی می کند.

از زاویه دیگر، از سفرها و دید و بازدیدهای سیاستمداران طالبان به کشورهای منطقه، می شود استنباط کرد که برخی از کشورهای منطقه، نسبت به طالبان از داعش احساس تهدید بیشتر می نمایند.

یعنی اگر سقوط طالبان به معنای قدرتمند شدن گروه داعش بوده و در نهایت امر تهدیدهای امنیتی در سطح منطقه بیشتر شود، باید تلاش کرد که طالبان نقش خود

کشور های همسایه با مسلح سازی مردم در پی چیست؟

علی قادری

این احساس میان اکثر کشورها وجود داشت که در صورت، درگیری جنگ دوباره ممکن منافع شان در این کشور خود را با سران جهادی حفظ نمودند. گروه های جهادی برای این گروه ها، کارکرد چند گانه داشت. اول؛ این گروه ها تا اندازه زیاد از نفوذ گروه های تندرو به کشور های حامی خود جلوگیری می کرد. به عنوان مثال؛ تاجکستان با ارتباط با شبکه های مقاومت در شمال کشور در صدد آن بود تا تا نامن شدن

منزاه نکشیدند. آن ها در برابر هم صف آرایی کردند. هر گروه از سوی کشور های مختلف تمویل و تجهیز می شدند. دقیقا در همین زمان بود که گروه طالبان از سوی برخی کشور های مالی و تسلیحاتی آنها توانست به در کمترین زمان ممکن افغانستان را تصاحب کند و امارت اسلامی را برپا دارد. در برابر گروه طالبان اما، گروه های جهادی ایستادگی نمودند و این طوری سال ها جنگ در افغانستان

نگران است و به همین خاطر، این احتمال وجود دارد که این کشور با تسلیح سازی مردم عادی افغانستان از نفوذ گروه های داعش به تاجکستان جلوگیری نماید. در این حال، گفته می شود که مقامات هند، چین و روسیه در دهلی نو از پایان جنگ در افغانستان حمایت کرده اند. گفته می شود که این کشور ها، از گسترش گروه داعش و قدرتمند شدن دیگر گروه ها در افغانستان احساس خطر نموده است و سرمایه گذاری که در افغانستان نموده است را مورد تهدید این گروه ها دانسته است. از این جهت، متعهد شده اند که در پایان جنگ در افغانستان حمایت می

چندی پیش، محمد عمر صافی، والی قندوز گفته بود که بیش از یک هزار نفر تحت فرماندهی و رهبری سران جهادی برای مبارزه با تروریستان مسلح شده اند. در واکنش به این مسئله وزارت امور داخله این مسئله را انکار کرد و گفت که حکومت از خیزش های مردمی علیه تروریستان حمایت می کند ولی حکومت دست به تسلیح مردم نزده است. جدیدا خبر های منتشر شده است مبنی بر این مسئله که مردم قندوز، بدخشان و برخی ولایت های شمالی کشور از سوی کشور تاجکستان مورد حمایت قرار می گیرد و از طریق این کشور مسلح شده اند. تاجکستان از نفوذ گروه داعش و دیگر گروه های تندرو در آسیای میانه



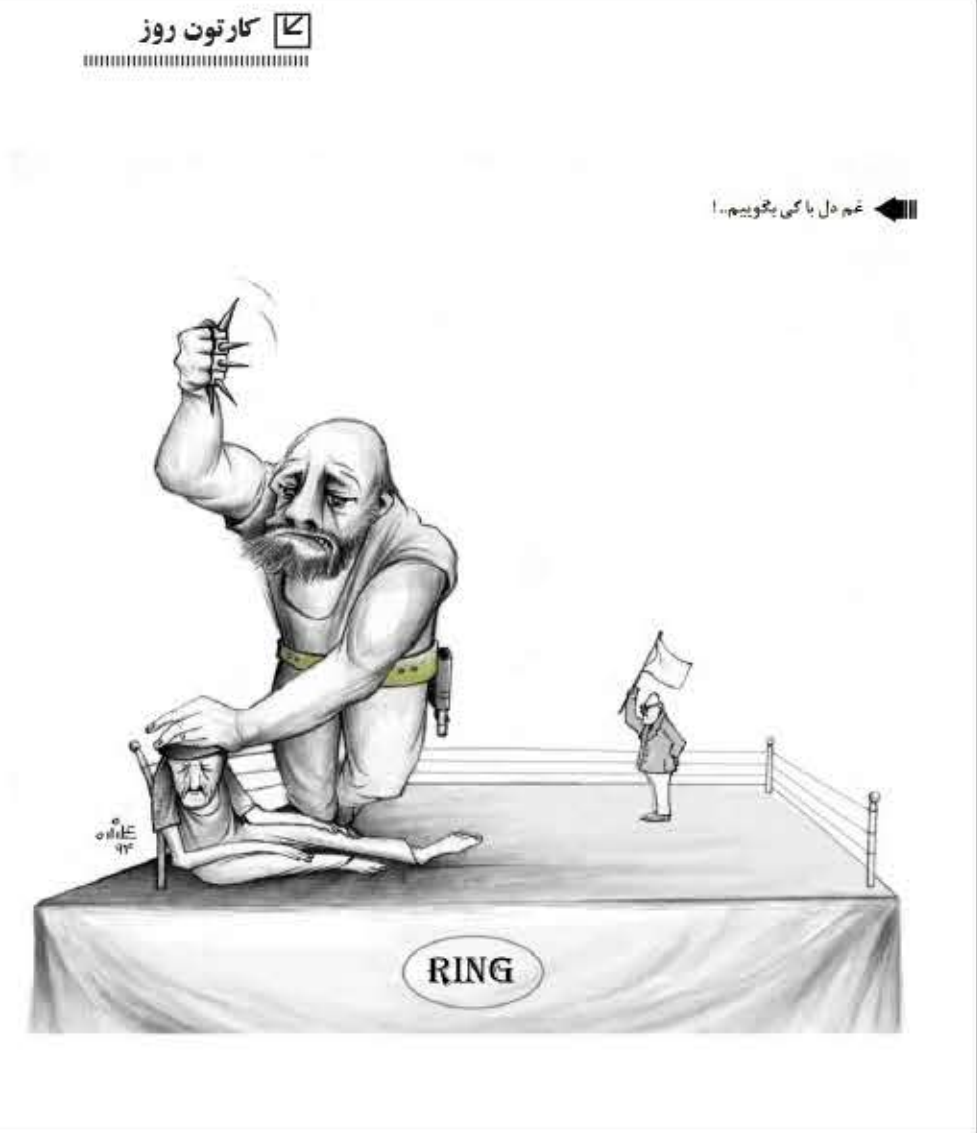
تضمین وجود ندارد که این کشورها از تمویل و تجهیز سران جهادی دست بردارد و از پایان جنگ در افغانستان حمایت کند.

بنابراین، حکومت باید به صورت جدی با کشور های که در صدد تسلیح سازی مردم است وارد گفتگو شود و از این روند جلوگیری نماید. حکومت اما، از کشور های که سیزده سال گذشته در افغانستان سرمایه گذاری خود در افغانستان ادامه داده و به خاطر منافع اقتصادی خود از جنگ حمایت نماید تا این کشورها به سرمایه گذاری خود در افغانستان ادامه داده و به خاطر منافع اقتصادی خود از جنگ در افغانستان دست بکشد. در غیر آن، احتمال آن وجود دارد که این کشورها سرمایه خود را از افغانستان بکشند و وارد یک جنگ فرسایشی و ویرانگر دیگر در افغانستان شود. می توجهی حکومت و دیر جنبیدن ممکن است افغانستان را یک بار دیگر وارد یک ورطه خطرناک دیگر نماید.

دوام کرد.بعد از حمله یازدهم سپتامبر بر برج های دوقلو در آمریکا و در نهایت حمله آمریکا بر افغانستان حکومت جدید شکل گرفت.

گروه های جهادی به غیر از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و حزب طالبان در چارچوب حکومت جذب شد. با این حال، گروه های جهادی به صورت کامل از بین نرفت. اگر چه، حمایت ها و تجهیز این گروه ها از سوی کشور های مختلف تا اندازه قطع شد اما، روابط این گروه ها با کشور های مختلف به صورت تمام میار از بین نرفت. گروه های جهادی هم اکنون با تمام کشور های حامی خود در ارتباط است.

ارتباط میان گروه ها و سران جهادی با کشور های مختلف از آن سو قطع نگردید که کشور های مختلف به صورت کامل به آمدن صلح و ثبات در افغانستان اطمینان نیافته بود.



روزنامه افغانان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN
The Leading Independent Source